

شناسایی جرم جعل در حقوق ایران در راستای مبارزه با فساد

علی اقبالی^۱

چکیده

گسترش روابط روزانه مردم، اعم از مالی و غیرمالی، مستلزم استفاده از اسناد است که اهمیت و ارزش اثباتی آنها اقتضا می‌کند بدون خدشه و تزویر و تقلب تنظیم و مورد استفاده قرار گیرند. از طرفی توسعه‌ی روزافزون روابط تجاری، اقتصادی، علمی و سیاسی بین افراد و اجتماعات، ملازمه با تنظیم و تبادل اسناد بی‌شماری داشته و به همین نسبت همواره وقوع جعل و تزویر در اسناد و مدارک در حال افزایش بوده است، لذا در مقررات جزایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران و یا برخی دیگر از قوانین خاص، مبحث و مواردی به این موضوع اختصاص یافته است. در این نوشتار سعی شده است پس از تعریف عناوین جعل و تزویر و استفاده از سند مجعول، از نظر جرم‌شناسی به معرفی عناصر تشکیل دهنده جرم و مصادیقی از عناوین مجرمانه آن در قوانین مختلف اشاره شود. این نوشته اگرچه در راستای مستقیم مباحث حقوقی است اما آگاهی از جنبه‌های مختلف آن، می‌تواند در دایره حسن جریان امور که یکی از وظایف دوگانه سازمان بازرسی کل کشور است، قرار گیرد.

واژگان کلیدی: جعل، جعل مادی، جعل معنوی، سند مجعول، کلاهبرداری با سند مجعول

مقدمه

جعل؛ به فتح جیم به معنی تزویر و وضع است و مزوّر و وضاع به معنی جاعل است. همه‌ی آنها به معنی ساختن امری است از روی قصد و برخلاف واقع مانند سند مجعول و سگّه قلب و نحو اینها.

جاعل: به معنای مرتکب جرم جعل است.^۱

در قوانین و مقررات جزایی ایران، تعریفی از این جرم به عمل نیامده و صرفاً به ذکر مصادیقی از آن پرداخته شده ولی با توجه به مواد قانونی مربوط به جعل و تزویر، می‌توان گفت جعل و تزویر عبارت است از دگرگون کردن متقلبانه حقیقت به ضرر دیگری در یک سند یا نوشته و یا وسایل مادی اثباتی دیگر به یکی از انحاء مادی یا معنوی مذکور در قانون.^۲

دره‌رحال با گسترش و پیشرفت ارتباطات بین جوامع مختلف بشری، شگردها و راه‌های تحقق این جرم نیز پیچیده‌تر شده و روبه افزایش نهاده است، به‌ویژه آن‌که با پیشرفت وسایل الکترونیکی و استفاده از رایانه، این روزها ارتکاب جرم از این طریق نیز مطرح است و رسیدگی به جرائم رایانه‌ای به موجب مواد ۷۳۴ و ۷۳۵ قانون مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی به عمل می‌آید.

بنابراین اعمال مجازات مطابق قوانین عام و خاص در این زمینه، ضمانت اجرایی برای حفظ ارزش و اعتبار و اصالت اسناد به خصوص اسناد رسمی به‌عنوان وسیله‌ی مبادله روابط تجاری، سیاسی و علمی بین افراد خواهد بود.

پژوهش حاضر به شیوه توضیحی-تحلیلی با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، درصدد است تا ابعاد حقوقی جرم جعل در حقوق ایران را مورد کنکاش قرار دهد.

یکم: سوابق تاریخی (تاریخچه جعل) در ایران

از زمان حکمرانی حکام غیرایرانی بر سرزمین گسترده پارسیان اعراب تا انقلاب مشروطیت که بالغ بر ۱۲ قرن است هیچ‌گونه قانون مدونی به‌صورت امروزی وجود نداشته زیرا قسمت عمده امور قضایی مردم توسط پیشوایان مذهبی یا نمایندگان آنان و بر مبنای قرآن کریم و اخبار و احادیث و نظریات علمی و فتاوی علمای مذهبی انجام می‌گرفته ولی احکام صادره رسماً ضمانت اجرایی نداشت و اجرای آنها بستگی به میزان نفوذ

۱- ترمینولوژی حقوق جعفری لنگرودی، چاپ دوم ۱۳۸۲ صص ۱۹۰ و ۱۹۶ انتشارات گنج دانش

۲- دکتر ابراهیم یاد- جزوه درسی حقوق جزای اختصاصی شماره ۶ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران- ص ۸۶

علمای دینی بردستگاه‌های دولتی داشته است ولی در قلمرو مقررات جزایی به علت اختصار و اجمال احکام و سایر علل فرهنگی و سیاسی، پیشرفت علمی حاصل نشده است.

در حقوق جزای اسلامی احکام راجع به جعل به اجمال برگزار شده و مجازات آن تحت عنوان تقلب (از موارد مالانصّ فیه) بوده و به نظر امام و حاکم واگذار شده است ولی صدور احکام متناقض از ناحیه بعضی از حکام شرع و ظلم و بیدادگری، پیدایش انقلاب مشروطیت را به همراه داشت. با طلوع مشروطیت در سال ۱۳۲۴ هجری قمری، قانون اساسی تدوین و به موجب آن تأسیس وزارت عدلیه و محاکم مختلف پیش‌بینی گردید و از آن زمان تا تصویب قانون مجازات در عدلیه، با مجرمین طبق فتاوی‌های حکام شرع رفتار می‌شد. با شروع کار مجلس، با شتاب‌زدگی قانون مجازات ایران در حالی که با مخالفت بعضی از نمایندگان مواجه شده بود، موقتاً در تاریخ ۱۳۰۴/۱۰/۲۳ شمسی، تصویب و به اجرا گذاشته شد. سپس حسب ضرورت و به اقتضای موقعیت زمانی و اجتماعی و ضرورت تغییر و تحولات در آن، قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۴ با اصلاحاتی به تصویب رسید که تا سال ۱۳۵۷ قبل از انقلاب اسلامی ایران مجری بود. پس از انقلاب اسلامی، این جرم جزء جرائم تعزیری منظور شد.

نهایتاً از ماده ۵۲۳ تا ۵۳۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به مجازات مصادیق مختلف جرم جعل اختصاص یافته است. لازم به توضیح است که در قانون ثبت، تجارت، دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از قوانین متفرقه، اعمال و رفتار مجرمانه‌ای بالاستقلال و یا در حکم جعل و تزویر، تعریف و مشخص و قابل تعقیب کیفی شناخته شده است.

دوم: تعریف و ارکان سازنده جعل و تزویر

در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی سابق که مشابه آن در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ذکر شده به جای تعریف این جرم، به ذکر مصادیق آن پرداخته شده که در ادامه درج می‌گردد:

«جعل و تزویر عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی و غیررسمی یا به قصد تقلب خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته به نوشته دیگری یا به‌کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن».

در مواد ۲۰ تا ۳۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۱۳۶۲ سابق و مواد ۵۲۳ تا ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ تحت عنوان «جعل و تزویر» نیز بدون اینکه تعریفی از این جرم کرده باشد، مصادیق و طرق ارتکاب جرم را ذکر نموده و برای آنها مجازات معین کرده است.

از نظر لغوی، جعل به معنی ساختن یا گردانیدن و دگرگون کردن است و تزویر، باب تفعیل و از زور می‌آید و زور هم به معنی دروغ و باطل است و مزور به شخص نادرست گفته می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان گفت که: «جعل و تزویر عبارت است از قلب متقلبانه حقیقت به زیان دیگری به یکی از طرق مذکور در قانون در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر»

مهم‌ترین جرائمی که در ارتباط با جعل و تزویر در قوانین متفرقه پیش‌بینی شده به شرح زیر است:

- ۱- ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ (مربوط به دفاتر اسناد رسمی)؛
 - ۲- قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۶؛
 - ۳- موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲؛
 - ۴- قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴؛
 - ۵- قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۶۷؛
 - ۶- قانون تشدید مجازات عبوردهندگان اشخاص از مرز مصوب ۱۳۶۷؛
 - ۷- قانون منع خرید و فروش کاپین کالاهای اساسی مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی؛
 - ۸- موادی از قانون گذرنامه؛
 - ۹- قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸؛
 - ۱۰- قانون تغییرات، تخلفات و جرائم اسناد سجلی مصوب ۱۳۷۰؛
 - ۱۱- فصل دهم از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ (مواد ۷۵ به بعد) و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲؛
 - ۱۲- مواد ۵۲۳ به بعد از فصل پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تحت عنوان جعل و تزویر.^۱
- با توجه به تعریف مذکور، ارکان سازنده بزه جعل و تزویر به قرار زیر است:

۱- ایرج گلدوزیان- حقوق جزای اختصاصی چاپ دهم ۱۳۸۳ ص ۶۵۲ تا ۶۵۵

مبحث اول - قلب حقیقت

این اصطلاح به معنای آن است جاعل به یکی از طرق مذکور در مواد راجع به جعل و تزویر، حقیقت موجود را منقلب و به دروغ و امر باطلی لباس حقیقت بیوشاند مثل این که کسی در سند طلب خود که از دیگری دارد قلم ببرد و یا الحاق کند و رقم آن را بیش از آنچه واقعیت است قلمداد نماید یا در تاریخ سند یا وصیت نامه ای دست ببرد و آن را پس و پیش کند؛ بنابراین اگر مدلول سند مجعول با وجود ساختگی بودن، موافق حقیقت باشد، عمل جعل محسوب نخواهد شد. مثل اینکه شخص «الف» از شخص «ب» ده هزار تومان طلبکار باشد و سندی از او در دست نداشته باشد و بنام شخص «ب» سندی به همام مبلغ بسازد.

بنابراین از مفاد ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی سابق و ماده ۵۲۳ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ راجع به جرائم تعزیری چنین نتیجه‌گیری می‌شود که قلب حقیقت لزوماً باید در نوشته یا سندی که مثبت یا نافی امر و یا حقی است به عمل آید و مقصود قانون‌گذار نیز در همه جا حمایت از وسیله اثبات یا نفی حق است. در غیر این صورت مثلاً فروختن جنسی به جای جنسی دیگر و یا دروغ‌گویی شفاهی هرچند به صورت شهادت یا قسم کذب و امثال آن باشد، از مصادیق جعل و تزویر نیست. همچنین گواهی خلاف واقع مأموران دولتی.

مبحث دوم - اصطلاحات سند و نوشته

طبق ماده ۱۲۴۸ قانون مدنی، سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. این تعریف بسیار ساده و مجمل است زیرا فقط به موارد استعمال سند اشاره نموده و از کیفیات مادی و معنوی نوشته‌ها و اسناد ذکری به میان نیامده است.

در تعریف سند می‌توان گفت که بین این دو اصطلاح (سند و نوشته)، رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد یعنی هر سندی نوشته است ولی هر نوشته‌ای سند نیست بلکه منظور از سند، آن چنان نوشته‌ای است که از نظر قانون و عرف در مقام اثبات یا نفی حق یا امری تنظیم و قابل استفاده باشد که بتوان قلب حقیقت در آن را جعل دانست در حالی که نوشته مانند کاغذ خصوصی فاقد این وصف بوده و ممکن است به طور اتفاقی مورد استفاده واقع شود؛ بنابراین چنانچه در سند راجع به معامله خانه یا خودرو، خصوصیات شخصی طرفین مثل تاریخ تولد، شغل و موقعیت اجتماعی آنان به صورت غیر واقعی درج گردد، چون این امور، خللی به اصل مقصود طرفین که تنظیم سند راجع به معامله خانه یا خودرو است، وارد نمی‌کند لذا جعل محسوب نمی‌شود.

همچنین اگر در میان سطور و عبارات سندی، حروف یا کلماتی الحاق شود به طوری که مفهوم و مفاد سند تغییر پیدا کند ولی به اصل مقصود طرفین خللی وارد نشود، عمل جعل نخواهد بود. در ادامه به منظور تشریح و تبیین بیشتر موضوع به مثال‌های دیگری اشاره می‌شود:

- ۱- نوشتن ثمن معامله به میزانی کمتر از آنچه بین طرفین مقرر بوده در دفتر اسناد رسمی برای پرداخت مالیات کمتر، به نظر عده‌ای جعل محسوب و عده‌ای دیگر آن را جعل نمی‌دانند و عرفاً هم جعل تلقی نمی‌شود.
- ۲- اگر کسی برای فرار از دین، ملک خود را به یکی از نزدیکان خود منتقل کند و از او سند محرمانه‌ای بگیرد که در آن به صوری بودن معامله مزبور اقرار کند، در اینکه آیا سند اولی جعل است یا نه؟ محاکم قضایی ما این عمل را جعل نمی‌دانند بلکه می‌توان چنین شخصی را به عنوان کلاهبردار تعقیب کرد.
- ۳- چنانچه حسابدار یکی از ادارات دولتی، اقلامی از عواید را که به تدریج و با قید تاریخ وصول می‌شود، وارد دفتر نکند و آن وجوه را به نفع خود برداشت نماید، در این‌که آیا عمل او علاوه بر اختلاس، جعل هم می‌باشد یا نه؟

عده‌ای معتقدند که چون جعل و تزویر مستلزم انجام فعل مثبت است لذا خودداری از وارد کردن اقلامی در دفتر دولتی نمی‌تواند جعل باشد. در مقابل عده‌ای دیگر عقیده دارند که چون بدون وارد کردن اقلام مزبور، ماحصل جمع ارقام وصولی برخلاف حقیقت به کمتر از آنچه وصول شده وارد دفتر گردیده و چون دفتر وسیله اثبات مجموع ارقام وصولی محاسب (حسابدار) است پس عمل او مشمول عنوان جعل و تزویر خواهد شد.

۴- اگر کسی از اعتماد طرف خود سوءاستفاده کرده و علیه او سندی بسازد و به نحوی به امضای او برساند در این‌که آیا عمل جعل است یا نه؟ بعضی معتقدند که چون امضای این شخص، اصیل است، چیزی جعل نشده ولی عده‌ای دیگر عقیده دارند که چون امضای او واقعی نیست بلکه او را غافلگیر کرده‌اند به طوری که اگر نوشته را می‌خواند آن را امضا نمی‌کرد بنابراین طرف ایشان بدین وسیله سندی به ضرر او ساخته و از این حیث جاعل به شمار می‌رود.

- ۵- درج پرداخت یا دریافت وجه یا قید معامله غیرواقع در دفتر بازرگانی پلمپ شده تاجراز حیث این‌که چنین دفتری در معاملات و محاسبات بازرگانی بین تجار سندیت دارد و بیشتر علیه صاحب دفتر معتبر است، جعل محسوب شده است.

۶- تقلب در رونوشت غیرمصدق آن و همچنین ابراز: فاکتورهای تقلبی به شرکت بیمه برای گرفتن حق بیمه یا ابراز بیلان تقلبی به وسیله تاجری که متوقف است یا انتشار چنان بیلانی از طرف مدیر شرکت و همچنین تنظیم گزارش خلاف واقع به وسیله مأمور دولت، همه جا از مصادیق جعل و تزویر نیست زیرا اوراق مزبور به طور قطع مثبت امری نبوده و قابل رسیدگی و مقابله هستند.

۷- اگر کسی در پروانه رانندگی یا پروانه ای که مدت اعتبار آن منقضی شده باشد تحریف کند و اسم خود را به جای اسم دارنده اصل آن بنویسد، موضوع جعل نیست.

همچنین الصاق عکس به شناسنامه شخص دیگر جعل نیست و چنانچه ورقه مورد ادعای جعل منتسب به کسی باشد که وجود خارجی ندارد، موضوع جعل تلقی نمی شود.

۸- به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و سوءاستفاده از این طریق، جعل تلقی نمی شود و بلکه از مصادیق خیانت در امانت است.

در هر حال باید توجه داشت که جعل در سند یا نوشته در صورتی محقق می شود که سند یا نوشته مورد نظر قابل استناد و مؤثر در اثبات یا نفی حق یا امری باشد و به عبارتی دارای ارزش قضایی و قانونی باشد.^۱ در سیستم حقوقی فرانسه و انگلستان نیز قصد اضرار به غیر از ارکان لازم برای تحقق جرم شناخته شده است. به طور خلاصه طبق رویه های موجود به جز در مورد اسنادی که دارای فرم مخصوصی هستند (اسناد سجلی - قبوض لازم الاجرا و اسناد مالکیت - نکاح نامه های رسمی - اسناد تجاری و امثال آن) تشخیص اعتبار و سندیت نوشته ها به نظر محاکم است و ملاک این است که معمولاً نوشته هایی که شامل اقرار، الزام، ابراء، وکالت، انتقال حق و یا دایر بر تصدیق مقامات رسمی نسبت به امری باشند، به آنها سند اطلاق می شود.

مبحث سوم - اقسام جعل

جعل بر دو قسم است: مادی یا صوری و معنوی یا مفادی.

در جعل مادی، جاعل در صورت و ظاهر و جسم سند، مرتکب تزویر می شود به نحوی که آثار عمل او در عالم ماده و خارج، محسوس و مشهود است مانند ساختن تمام یک سند و یا الحاق و قلم بردن در سند و تراشیدن یا خراشیدن نوشته و نظایر آن. در جعل معنوی، قلب حقیقت در مفاد و معنای نوشته به عمل می آید بدون اینکه

۱ - مستنبط از آراء متعدد دیوان عالی کشور در این باره.

اثر خارجی داشته باشد. به عبارت دیگر جاعل بدواً حقیقت امر را در عالم معنا و در ذهن خود منقلب می‌کند و سپس آن دروغ را به صورت قلب شده وارد سند می‌نماید. مثل اینکه در مرحله تحقیقات نزد مرجع قضایی، متهم بگوید فلان کس را نزد من و منشی مربوط بنویسد زدم یا اینکه سردفتر اسناد رسمی ضمن تبانی با خریدار در سند بنویسد تمام ثمن معامله نقداً پرداخت شد درحالی‌که قسمتی از آن پرداخت شده است یا اینکه سردفتر بنویسد الف و ب حاضر شدند و سند فروش خانه را تنظیم کردند درحالی‌که شخص الف بی سواد بوده و به منظور اجاره مورد معامله به دفترخانه آمده و قصد فروش آن را نداشته است.^۱

درهرحال طرق جعل مادی در ماده ۹۷ ق.م.ع سابق و ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مبحث تعزیرات به صورت تمثیلی ذکر شده که در ابتدای بخش اول مقاله، مورد اشاره قرار گرفته است.

مبحث چهارم- عناصر تشکیل دهنده جرم جعل و تزویر

الف- عنصر قانونی:

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و تغییر و تحولات در سیستم قضایی و اجرای مقررات و ضوابط شرعی به جای مقررات و قوانین عرفی سابق و قرار گرفتن مقوله جعل و تزویر در ردیف جرائم تعزیری، مالا مواد و مصادیقی از این جرم در مواد ۵۲۳ تا ۵۳۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ جایگزین مواد ۱۰۷ تا ۱۰۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۴ شده است.

مواد ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون ثبت اسناد و املاک و مواد ۹۵ تا ۱۰۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ و مواد ۷۳۴ و ۷۳۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) راجع به جعل یارانه‌ای و مقررات متفرقه دیگر مصادیقی از عناصر قانونی این جرم هستند.

ب- عنصر مادی:

در رابطه با عنصر مادی این جرم می‌توان گفت که مانند سایر جرائم و علی القاعده، فعل و اقدامات مثبت و عملی به گونه‌ای که مصادیق و مواردی از اشکال عملیات مجرمانه به طور تمثیلی در قانون (ماده ۵۲۳ تعزیرات) مورد اشاره قرار گرفته، آن را تشکیل می‌دهد، به ویژه در رابطه با عمل جعل صوری یا مادی لیکن در جعل معنوی یا مفادی مواردی از ترک فعل نیز می‌تواند عنصر مادی این جرم قرارگیرد و مثال روشن آن تحریر

معکوس اظهارات متهم توسط منشی شعبه تحقیق یا دادگاه است که قبلاً ذکر شد.

به طور خلاصه می‌توان گفت عنصر مادی جرم عبارت است از تقلب در نوشته‌ای که سندیت و ارزش حقوقی داشته به یکی از صور پیش‌بینی شده در قانون.

بنابراین چنانچه کسی در پروانه رانندگی پروانه دیگری که مدت اعتبار آن منقضی شده، تحریف کند و اسم خود را به جای اسم صاحب پروانه وارد کند، این عمل جعل نیست زیرا تحریف ورقه بی اعتبار و باطله را نمی‌توان جعل و تزویر در سند یا نوشته رسمی به منظور مذکور در مواد مربوط به جعل دانست.^۱

با توجه به آرای محاکم، برگ معاینه اتومبیل نیز سند اطلاق شده بنابراین اگر کسی تاریخ معاینه اتومبیل را به تاریخ مؤخری تحریف و تبدیل کند، عمل، جعل و کاربرد آن هم استفاده از سند مجعول محسوب می‌شود ولی اگر از آن سلب اعتبار (به علت انقضای مدت) شده باشد دیگر از مصادیق نوشته‌های موضوع بحث جعل نخواهد بود. به همین ترتیب در پروانه رانندگی یا پروانه‌های دیگری که مدت اعتبار آنها سپری شده، هرگونه تحریف و تغییری مشمول عنوان این بزه نیست.

مطلب دیگر اینکه لزوماً نباید تغییر حقیقت و تزویر در نوشته‌ای که از ناحیه غیر صادر شده به عمل آید بلکه در مواردی دیده شده است که شخص با تغییر حقیقت و تزویر در نوشته‌ی خود مرتکب جعل شده است. مثلاً اگر کسی قراردادی با شرکتی منعقد نماید و سپس نام شخص دیگری را در آن الحاق و به او چنان وانمود کند که قرارداد بین او و شرکت منعقد کرده و بدین وسیله اجناسی از او بگیرد و به شرکت تحویل دهد و وجه حاصل را به نفع خود برداشت نماید اگرچه در قراردادی که خودش نوشته، الحاق کرده است، عمل او جعل محسوب می‌شود.^۲

باید توجه داشت که منظور از امضای ذیل اسناد، اعم است از خود امضا، مهر و یا اثرانگشت، لذا اگر کسی شبیه مهر دیگری را بسازد و به جای مهر او استعمال نماید و یا بدون اطلاع صاحب مهر از آن سوء استفاده کند و از این طریق ضرری متوجه صاحب مهر شود، عمل جعل محقق شده است. همچنین با توجه به اینکه مطابق آیین‌نامه دفاتر اسناد رسمی، اثرانگشت اشخاص بی سواد نیز به جای مهر و امضای آنها شناخته شده لذا احکام راجع به جعل امضا و مهر، درباره جعل اثرانگشت نیز جاری است.

۱ - مستنبط از رأی شماره ۷۸۲-۱۹/۴/۱۳۱۸ شعبه دوم دیوان عالی کشور

۲ - رأی شماره ۱۵۹۱-۷/۹-۱۳۱۷ شعبه دوم دیوان عالی کشور

سوزاندن بعضی از کلمات سند مثل اینکه در مورد سند ذمه‌ای یک صد و ده هزار ریالی، رقم یک صد و ده حروفی با آتش سوزانده و محو شود و فقط مبلغ هزار ریال باقی بماند، چنین اقدامی از مصادیق اتلاف سند دانسته نشده و بلکه داخل در اقسام مادی و روش خاصی برای محوقسمتی از عبارت اسناد و مالا جعل تلقی شده است.

موضوع محو و الحاق در یک سند، نظری شناخته شده با این توضیح که عده‌ای آن را دو جرم شناخته و عده‌ای نیز با این توجیه و استدلال که در هر حال چون عمل الحاق، ملازمه با امحاء دارد و نهایتاً مرتکب از هر دو اقدام خود یک نتیجه به دست می‌آورد لذا یک جرم بیشتر نخواهد بود.

نکته دیگری که در این مبحث ذکر آن ضروری به نظر رسید، موضوع تحقق جعل معنوی در اسناد عادی است. در این اسناد به طور کلی ارتکاب جعل معنوی امکان‌پذیر است زیرا اسناد عادی به دو کیفیت تنظیم می‌شود، اول آنهایی که ذی نفع شخصاً مسئول تنظیم و کتابت آن است؛ دوم آنهایی که توسط اشخاص غیر ذی نفع تنظیم می‌شود مثل اسنادی که از طرف یا حسب دستور اشخاص بی‌سواد تنظیم می‌گردد.

در اسناد عادی دسته اول (اسناد خودنوشت) می‌گوییم وقوع جعل قابل تصور است. مثلاً در مورد اسناد ذمه‌ای ممکن است دائن باسواد و مدیون بی‌سواد باشد و بالعکس. در هر دو حال نویسنده باسواد که بر فرض در معامله است، امکان دارد مفاد سند را برخلاف واقع و به ضرر طرف مقابل تنظیم نموده ولی برای اغفال و اطمینان او آن را طور دیگری قرائت کند.

در اسناد دسته دوم یعنی اسناد عادی که حسب دستور یا از طرف نوشته می‌شود مثل رسید و مفاصاحساب و حواله‌هایی که مثلاً منشی تجارتخانه از جانب تاجر (در اینجا فرض بی‌سواد بودن تاجر است) صادر می‌کند نیز جعل مفادی (معنوی) امکان‌پذیر است. همچنین است در مورد قبولی برات و مفاصاحساب، چک، فته طلب خلاف واقع که کارمند تجارتخانه ضمن تبانی با ذی نفع به ضرر تاجر می‌نویسد.

خلاصه آن‌که جعل معنوی، جعل بدوی یا انشائی است که در موقع انشاء سند واقع شده و مطلب خلاف واقعی به جای مطلب مورد توافق نوشته می‌شود و به امضای طرف می‌رسد. لذا جعل معنوی وقتی محقق می‌گردد که مقارن با ایجاد سند و منحصرأ مربوط به مفاد و مدلول سند باشد.

مثال‌های دیگر:

۱- سردفتری که برخلاف واقع تصدیق می‌کند ثمن معامله با حضور او پرداخت شده یا رضایت یکی از متعاملین را به دروغ تصدیق می‌نماید. ۲- درمورد تنظیم سند اجاره، برخلاف آنچه بین موجر و مستأجر توافق شده، در سند نوشته شده که در صورت تأخیر در پرداخت مال الاجاره، موجر حق فسخ را برای بقیه مدت اجاره ندارد و فقط می‌تواند اجرائیه صادر کند درحالی‌که توافق بر این مبنا بوده که در صورت عدم پرداخت یا تأخیر در پرداخت مال الاجاره حق فسخ نیز داشته باشد. در اینجا اقدام شخص سردفتر، جعل معنوی و کسی که با او تباری کرده معاون جرم است. ۳- ذکر نام شخص در صورت جلسه مذاکرات مجمع صاحبان سهام شرکت با مسئولیت محدود و گواهی بر حضور او در مجمع مزبور درحالی‌که شخص نامبرده در حقیقت از دارندگان سهام شرکت نبوده و این امر برخلاف حقیقت، طبعاً موجب خسارت احتمالی غیرشده و جرم جعل تحقق یافته است. ۴- استبدال شخصی یعنی خود را به جای شخص دیگر معرفی کردن و هرگاه سردفتر حضور چنین شخصی را به عنوان طرف معامله غیر از شخص واقعی که نامش در سند ذکر شده، ضمن تباری با او در سند منعکس نماید، مرتکب جعل معنوی شده است. این نوع جعل همیشه با امضای جعلی نیز توأم است. در مورد اسناد عادی، استبدال اشخاص عملاً کمتر دیده می‌شود. طبق رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۲۸۸۰-۱۵/۱۰/۱۳۳۵ عمل شخصی که از روی حیل و تقلب خود را به جای شخص دیگری معرفی کند، جعل و هرگاه در نتیجه این عمل، کلاهبرداری هم واقع شود، با عمل جعل منافات ندارد. مزید اطلاع اینکه در این نوع جعل (معنوی یا مفادی) تغییر حقیقت متوجه معنی و مفهوم نوشته است بدون اینکه تقلب کوچک‌ترین اثر محسوسی از خود به جای گذارد. جعل معنوی به دو صورت واقع می‌شود:

الف- نسبت به هویت شخص (به صورت استبدال شخص) ب- خدعه نسبت به موضوع سند**(استبدال موضوع سند)**

نکته دیگری که در مقوله جعل باید به آن توجه شود، موضوع جعل منفی یا جعل به وسیله ترک فعل است که البته در مقررات جزایی مورد توجه قانون‌گذاران قرار نگرفته این عمل در قالب ترک فعل نیز ممکن است صورت پذیرد. مثلاً حذف کلمات یا جملاتی از مطالبی که مورد توافق طرفین بوده یا حذف قسمتی از تفریبات شخصی که موضوع سند را دیکته می‌کند ممکن است موجد ضرر غیر باشد مشروط بر اینکه چنین اقدامی باعث شود امری دروغی به صورت حقیقت جلوه نماید.

البته در قوانین ایران مانند قوانین اکثر کشورها از این نوع جعل منفی یا تزویر در اسناد به وسیله ترک فعل، بحثی به میان نیامده و در مراجع جزایی و دیوان کشور ایران نیز، جعل با ترک فعل را نپذیرفته‌اند. مطلب دیگری که اشاره به آن ضروری به نظر رسید، موضوع تفکیک جعل سند از تخریب آن است. تخریب سند شامل موردی است که تمام سند به نحوی معدوم شده باشد به‌طورمثال به وسیله‌ی سوزاندن یا پاره کردن یا غرق کردن در آب در صورتی که جعل نوشته به شکل اخیر، زمانی محقق است که بعضی از قسمت‌های نوشته موجود را با وسایلی، سیاه یا محو یا ناخوانا کرده باشند.

نکته آخر، موضوع تفکیک استفاده از سفید مهر از جعل سند (به وسیله الحاق یا تبدیل کلمات) است.^۱ اگر کاغذ سفید امضایی برای استفاده در مورد معین به شخصی تسلیم شود و دارنده‌ی آن برخلاف مقصود واگذارکننده آن را به ضرر مادی یا معنوی وی استعمال کند، این عمل شخص امین با تعریف جعل منطبق نیست و بلکه یک نوع خیانت در امانت است.

در اینجا اگرچه عمل سوءاستفاده از سفید مهر، فی حد ذاته و قطع نظر از شمول قانون، یک جعل واقعی است لیکن چون با اراده صاحب امضا به شخص امین (جاعل) سپرده شده، قانون‌گذار آن را در ردیف جرائم خیانت در امانت شناخته و به مجازاتی خفیف‌تر از مجازات جاعل محکوم کرده است.

ج- عنصر معنوی جرم جعل و استفاده از سند مجعول

معمولاً در غالب جرائم، رکن معنوی را ضرر تشکیل می‌دهد. این ضرر ممکن است بالفعل و واجد آثار مشهود و نمایان و یا بالقوه و ممکن‌الحصول باشد. در رابطه با جرم جعل نیز این اضرار زمانی قابل تصور است که قلب حقیقت در یک نوشته که دارای ارزش حقوقی بوده و قانوناً و عرفاً به آن سند اطلاق شود، همراه با ایراد خسارت به غیر باشد و در غیر این صورت عمل فی نفسه قابل مجازات نیست مثل ساختن نوشته بدون امضا که فاقد اعتبار است زیرا مستلزم اضرار به کسی نیست و از حیثه قانون مجازات خارج است. با این وصف همین اندازه که در هنگام ساختن نوشته، ضرر ناشی از آن ممکن‌الحصول باشد، برای تحقق جرم کافی است لذا در قانون ایران مثل اکثر قوانین جزایی سایر کشورها آن را جرم خاصی شناخته‌اند.

علی‌ای حال چنانچه اقدامات انجام شده از سوی جاعل نتواند مبنای حق و ادعایی واقع شود، صرف

۱- موضوع ماده ۲۴۰ ق.م.ع. سابق و ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

تغییر حقیقت برای وقوع بزه جعل، کافی نبوده و قابل تعقیب نیست.

ضرری که در جرم جعل مورد نظر است باید واجد خصوصیات زیر باشد:

نخست- وجود خسارت باید مبتنی بر تضييع حق و ممكن الحصول باشد.

دوم- حق، اعم از حقوق فردی و اجتماعی است.

سوم- در حقوق خصوصی، فرقی بین حق مادی و معنوی نیست.

چهارم- وجود ضرر حتمی و مسلم به تنهایی مورد توجه نیست بلکه وجود خسارت احتمالی نیز کافی برای

تحقق جرم می باشد.

در حقوق کشورهای انگلیس، فرانسه و آمریکا نیز وقوع خسارت حتمی، شرط تحقق جرم جعل نیست و

امکان خسارت برای احراز بزهکاری متهم کافی است.

در این جرم، صرفاً کافی نیست که مرتکب عالماً و عامداً قلب حقیقت کرده باشد بلکه باید بداند که عمل

او ممکن است موجب خسارت گردد. همچنین برای تحقیق این جرم نه تنها قصد ارتکاب جرم لازم است

بلکه تزویر باید حتماً در قسمت های مورد اهمیت سند واقع شود و در آن تزویر، امکان خسارت موجود باشد.

چنانچه جعل توسط یک مقام رسمی که خود مسئول تنظیم سند بوده واقع شده باشد، تصور خلاف آن

یعنی فقدان قصد متقلبانه نزد او محال به نظر می رسد زیرا با توجه به سمت او، قصد و عمد در عمل وی مستتر

است در مورد یک فرد عادی احتمال نداشتن سوءنیت وجود دارد.

موضوع خسارت در جعل می تواند متوجه اعتماد عمومی، حاکمیت دولت و افراد باشد.^۱

منافعی که ممکن است در جعل اسناد مورد آسیب قرار گیرد به دو دسته تقسیم می شوند. مستقیم یعنی آن

دسته از منافعی که بلافاصله از جرم مورد لطمه واقع می شوند و آن حس اعتماد عمومی است نسبت به اسناد و

غیرمستقیم شامل منافع دولت یا منافع یک فرد می شود.

سوم: جعل در انواع اسناد

مبحث اول - جعل در نوشته‌های رسمی و دولتی

در جعل این اسناد علاوه بر عناصر کلی جعل، مستلزم عنصر خاص دیگری است که آن وجود نوشته رسمی یا دولتی است و میزان مجازات هم حسب مورد اگر جرم توسط یک کارمند صاحب منصب دولتی ضمن انجام وظیفه و یا شخص غیرکارمند به وقوع پیوسته باشد، شدت و ضعف خواهد داشت (مواد ۱۰۹-۱۱۰ و ۱۰۳ و ۱۰۴ قانون مجازات عمومی سابق). موضوع تشدید مجازات در صورتی که مرتکب کارمند دولت یا شهرداری‌ها یا مؤسسات وابسته به دولت و یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد در قسمت اخیر ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) نیز پیش‌بینی و مورد تأکید واقع شده و مرتکب به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

نکته قابل توجه در رابطه با موضوع ارتکاب جعل توسط کارمند یا صاحب منصب دولتی این است که اگر دادگاه کارمند (مباشر جرم) را از اتهام مزبور تبرئه کند دیگر نمی‌تواند کسی را به عنوان معاون جرم محکوم کند زیرا با صدور حکم برائت کارمند دولت، رکن اصلی جرم که ارتکاب به وسیله مستخدم دولت باشد، منتفی است و بنابراین محکوم نمودن معاون جرمی که فاقد رکن است مورد ندارد.

همچنین رونوشت مصدق اسناد رسمی در حکم سند رسمی است و هر جعلی که در آن‌ها صورت گیرد و نتیجتاً رونوشت با اصل مطابقت ننماید، نویسنده و تصدیق‌کننده آن، جاعل در اسناد رسمی شناخته شده و قابل تعقیب می‌باشند. به همین ترتیب اگر جعل در اوراق رسمی تنظیم شده در خارج از ایران صورت پذیرد، جعل در اسناد رسمی محسوب و مستوجب تعقیب است.

مبحث دوم- جعل در اسناد تجاری و بانکی:

در تعریف نوشته‌های تجاری می‌گوییم هر نوشته‌ای که موضوع آن حاکی از یک مبادله تجاری است، سند تجاری تلقی می‌شود. انواع اسناد تجاری، متعدد و شامل برات، سفته، قبض انبار، قبض رسید و بروات ظهرنویسی شده هستند که تعریف مختصر آنها به شرح زیر است:

۱- برات: نوعاً سند تجاری محسوب است خواه بین تاجریا غیرتاجر صادر شده باشد.^۱

۲- سفته: زمانی تجاری است که به امضای تاجر یا قائم مقام او رسیده باشد و همین طور زمانی که مربوط به یک معامله تجاری باشد.

۳- قبض انبار و رسید: با شرایط ذکر شده برای سفته، از اسناد تجاری محسوب می شوند. اگر ظهرنویسی نسبت به بروات صورت گیرد، لزوماً سند تجاری محسوب می شود اما ظهرنویسی سفته همیشه تابع این مقررات نیست.

۴- دفاتر تجاری: شامل دفاتر روزنامه و کل بوده و اصولاً هر نوشته ای که بین تجار تنظیم یا مبادله شود که موضوعاً ناشی از یک عمل تجارتی باشد، تجاری محسوب می شود.

مبحث سوم- جعل در اسناد عادی

در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی درباره اسناد رسمی گفته شده: «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است.» در ماده ۱۲۸۹ همین قانون آمده است که: «غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است.»

اسناد عادی شامل قراردادها، تعهدنامه‌ها، رسید و مفاصاحساب بین اشخاص عادی، وصیت نامه‌های غیررسمی و امثال آن می شود. در این باره محاکم ما سندیت ذاتی نوشته را ملاک تحقق جرم قرار داده و ظاهراً سندیت نسبی نوشته‌ها را نپذیرفته اند.

تقلب در این نوشته‌ها به منظور استفاده از آن به ضرر غیر واقع شد و به عنوان دلیل و مدرک برد دعوی یا اقامه دعوائی در محکمه مورد استناد واقع شوند، عمل مرتکب مشمول مقررات جعل است.

مبحث چهارم- نوشته‌های غیررسمی

نوشته‌های دیگری هستند که قانونگذار جعل آنها را از عداد جعل اسناد عادی مستثنی کرده و در مورد آنها حکم خاص صادر نموده است. مانند جعل و تزویر در گواهی‌های پزشکی و سایر گواهی نامه‌ها. بنابراین جعل در اسناد خاص که نه تابع مقررات جعل در اسناد رسمی و نه تابع مقررات جعل در اسناد غیررسمی می باشند طبق مقررات جزایی ایران عبارت‌اند از:

- ۱- جعل در گذرنامه دولتی؛
- ۲- جعل در پروانه اقامت؛
- ۳- جعل و تزویر در گواهی پزشکی؛
- ۴- جعل و تزویر در سایر گواهی نامه‌ها که طبق مقررات مربوطه قابل رسیدگی و مجازات هستند.

چهارم: استفاده از سند مجعول

جعل سند و استفاده از آن، دو جرم متمایز از یکدیگر می‌باشند و در قوانین جزایی نیز هر یک تابع مقررات مختلفی هستند. عناصر تشکیل دهنده این جرم شامل عمل استعمال و به‌کاربردن آن می‌باشد. در ادامه به مصادیقی از این جرم اشاره می‌شود:

۱- تغییر در برگه معاینه خودرو و استفاده از آن برای مسافرت با همان اتومبیل، موضوع بزه جعل و استفاده از سند مجعول است.

۲- ارائه یک برات مجعول به محال علیه برای گرفتن قبولی، موضوع جرم استفاده از سند مجعول است.

۳- برای تحقق این جرم لازم است ارائه‌کننده، عالم به مزور یا مجعول بودن سند باشد ولی چنانچه وکیل، حسب وکالت از طرف موکل خود به استناد اوراق مجعولی دادخواستی به دادگاه بدهد این عمل نسبت به شخص وکیل، استفاده از سند مجعول محسوب نمی‌شود بلکه اثرات و تبعات اقدام وکیل در حدود وکالت، اصولاً بر عهده موکل است (حکم شماره ۷۷۹-۱۰/۴/۱۳۱۶ شعبه دوم دیوان عالی کشور).

بنابراین استفاده از سند مجعول، موقعی قابل مجازات است که قلب سازی نوشته مزور، واجد خصوصیات قانونی جعل باشد و استفاده از آن موجب اضرار غیر شود و منطبق با یکی از موارد پیش‌بینی شده در قانون مجازات باشد لذا اگر کسی ملک خود را با سند عادی به شخص الف اجاره دهد و سپس همین ملک را با سند رسمی به شخص ب اجاره دهد، وصول وجه اجاره دوم، موضوع استفاده از سند مجعول نیست. زیرا به عمل تنظیم سند دوم که معارض با سند اول می‌باشد، جعل اطلاق نمی‌شود. همچنین استفاده از تصویرنامه‌ی عادی مجعول و یا عکس آن علیه دیگری، چون عکس به خودی خود، سندی بی‌ارزش و اعتبار است و اطلاق نوشته بدان صحیح نیست لذا عمل مشمول تعریف جرم استفاده از سند مجعول نیست.

بالاخره برای تحقق این جرم، احراز قصد متقلبانه مرتکب لازم است که مستقل از سوءنیت جاعل اصلی

است و برای احراز بزهکاری استفاده‌کننده باید سوء قصد او (علم به مجعول و نادرست بودن نوشته مورد استناد) احراز گردد.

ذکر این نکته نیز ضروری به نظر رسید و آن اینکه عده‌ای برای تحقق جرم استفاده از سند مجعول، علاوه بر ارکان اصلی آن، رکن دیگری را هم لازم می‌دانند و آن احراز وجود خارجی شخصی است که ورقه (نوشته) به نام او جعل شده است. در این رابطه در رأی شماره ۳۴-۱۳۱۸/۱/۶ شعبه پنجم دیوان عالی کشور، موضوع مذکور بدین شرح توجیه گردیده است: «یکی از ارکان جعل و بالتبع تحقق عنوان استفاده از سند مجعول، وجود خارجی شخصی است که ورقه به نام او جعل شده و امکان توجه ضراست به منتسب الیه و مادام که مراتب مذکور مدلل نشود، قضیه عنوان استفاده از سند مجعول را نخواهد داشت. بنابراین اگر مأمور دولت با جعل اوراقی به اسم اشخاص مجعول، مرتکب سوء استفاده از مال دولت بشود، فقط مجازات کلاهبرداری را خواهد داشت»

دیگر اینکه جعل و استفاده از سند مجهول، هرکدام بزه مستقل بوده و مقدمه بودن یکی از دو بزه برای دیگری، موجب معافیت مرتکب از کیفر بزه (استفاده) نخواهد بود. ضمناً مرور زمان در استفاده از جعل از روز شروع به استفاده جاری می‌شود.

پنجم: شروع به جرم جعل

شروع به جرم جعل قابل مجازات است به شرطی که قسمتی از مقدمات جرم انجام شده و به عللی مستقل از اراده فاعل ناتمام و ناقص مانده باشد. در این باره آنچه واجد اهمیت است تشخیص و تفکیک شروع به جعل قابل مجازات از اقدامات ابتدایی و مانورهای ساده غیرقابل تعقیب می‌باشد. زیرا جرم جعل معمولاً زمانی کشف می‌شود که دارنده برگ مجعول در مقام استعمال و استفاده از آن برآمده است. بنابراین هر وقت اعلام جعل می‌شود، عمل جعل به طور قطع خاتمه یافته و در مرحله بهره‌برداری است (شروع به استفاده از جعل) و کمتر موردی می‌توان یافت که جعل سند در مرحله شروع به جرم کشف شده و در مراجع قضائی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد. در آراء محاکم جزایی ایران و شعب دیوان عالی کشور، آنچه مورد حکم واقع شده، مسئله شروع به استفاده از ورقه مجعول است و نسبت به امر شروع به جعل، حکمی مشاهده نمی‌شود و دلیل این امر در واقع، مطرح نشدن مسأله شروع به جرم در مراجع قضایی می‌باشد. ضمناً در قوانین و مقررات جزایی در این باره مجازاتی پیش‌بینی نشده است.

نکته مهم در تشخیص شروع به جعل همان طور که در شرایط تحقق جرم جعل بیان شده، احراز ضرر بالقوه (امکان ضرر) می باشد یعنی باید احراز شود که در همان مقدار عملیاتی که جاعل برای مقدمه و جعل مرتکب شده، امکان ضرر وجود دارد تا شروع به جرم قابل مجازات باشد. بنابراین ملاک تحقق جرم در شروع به جعل، احراز ضرر احتمالی است.

تنها در مورد جعل مفادی، مرتکبین در حین شروع به ارتکاب جعل ممکن است شناخته شوند زیرا جعل مفادی، محتاج به ترتیب دادن صحنه های دروغی و مانورهایی در حین تنظیم سند است مثل موردی که در دفتر اسناد رسمی، شخصی با سوءاستفاده از بی اطلاعی سردفتر، خود را به جای آقای الف معرفی و دستور تنظیم سند اعتراض نامه یا سند ذمه ای را که برای آقای الف الزام آور است می دهد و مثلاً برای جلب اطمینان سردفتر شناسنامه او را که به طریقی به دست آورده ارائه می نماید. متصدی دفترخانه پس از نوشتن سند و در حین ثبت آن در دفاتر مربوطه، تصادفاً از خدعه این شخص (مراجعه کننده به دفتر) مطلع می شود و نقشه او عقیم می ماند. در اینجا همین مقدار عملی که او انجام داده شروع به جعل است.

در مورد ظاهرسازی سند و استبدال شخص که دو طریقه از جعل مفادی هستند، هرگاه نقشه مرتکب قبل از تکمیل سند و در نتیجه قبل از تمام شدن جرم کشف شود، موضوع از مصادیق شروع به جعل است.

تحقق شروع به استفاده از سند مجعول از زمان ارائه سند از ناحیه دارنده سند مجعول است به منظور استفاده، مشروط بر اینکه متهم عالم به مزور بودن سند باشد. شروع به استفاده از جعل در محاکم ایران بارها مورد استفاده قرار گرفته است.

ششم: مجازات جرم جعل

در قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۵۴ که با توجه به تقسیم بندی جرائم، مجازات این جرم به جنحه و جنائی تقسیم شده بود، حسب مورد رسیدگی به موضوع در محاکم جنحه یا جنایی صورت می گرفت. در این قانون انواع جرائم راجع به جعل و استفاده از سند مجعول در مواد ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ تا ۱۰۷ پیش بینی و مجازات آنها درج گردیده است. همچنین در ماده ۱۰۰ قانون ثبت نیز برای مرتکب این جرم مجازات تعیین شده است. در مواد ۹۵ تا ۱۰۷ قانون دادرسی و کیفراتش مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ و در قانون مجازات اسلامی مبحث تعزیرات شرعی مصوب ۱۳۷۵ به اقسام جعل و تزویر در مواد ۵۲۳ تا ۵۲۷ و ۷۳۵ و ۷۳۴ و قوانین متفرقه دیگر، میزان مجازات این جرم تعیین شده است.

نکته قابل توجه اینکه چون این جرم در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی محسوب می شود لذا در اجرای مقررات بند الف ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ صدور حکم و اجرای مجازات آن قابل تعویق و تعلیق نمی باشد. ضمناً برای اطلاع از مدت مرور زمان این جرم می توان به مواد ۱۰۵ و ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون مذکور مراجعه نمود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مجازات این جرم از درجه تعزیرات شرعی شناخته شد و در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مواد ۵۲۳ تا ۵۲۹ و قوانین متفرقه دیگر، به مصادیق این جرم و مجازات آن اشاره شده است. مطلب قابل ذکر در ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ موضوع تخفیف یا معافیت از اعمال مجازات درباره مرتکبین جرائم مذکور در مواد ۵۲۳ تا ۵۳۰ این قانون است که در ادامه برای اطلاع درج می گردد:

ماده ۵۳۱: اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد قبل شده اند هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می شود و یا از مجازات معاف خواهند شد. مشابه همین موضوع در ماده ۱۰۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۴ نیز ذکر شده است.

هفتم: رسیدگی به دعوی جعل

دعوی جعل به دو صورت قابل طرح است یکی به صورت دعوی جزایی و دیگری به صورت دعوی حقوقی. دعوی جزایی ممکن است با شکایت شاکی خصوصی در مورد یک سند مجعول همراه با مطالبه خسارت و یا رأساً از طرف دادستان راجع به اسنادی که نیاز به شاکی خصوصی ندارد مثل ادعای جعل نسبت به اسکناس رایج یا قلب سکه و امثالهم از سوی دادسرا تحت تعقیب واقع شود. این دعوی لزوماً منوط به شکایت مدعی خصوصی نیست و حتی اگر خسارت ایشان از طرف متهم جبران شده باشد تعقیب دعوی عمومی امکان پذیر است. این نوع دعوی را دعوی اصلی نیز می گویند.

همچنین شکایت جزایی جعل، ممکن است در قالب یک دعوی فرعی در مراجع جزایی یا حقوقی اقامه شود.

در مقابل دعوی اصلی، دعوی فرعی قرار دارد مثل این که در مراجع جزایی، متهم به صدور چک بلامحل

مدعی جعلیت چک شود و دارنده چک و یا دیگری را به عنوان جاعل معرفی نماید. مثال این نوع دعوی در مرجع حقوقی مثل این که متهم صدور چک بلامحل در بازپرسی، مدعی جعلیت چک می شود و دارنده آن یا دیگری را جاعل معرفی می کند که در این صورت دعوی جعل فرعی نامیده می شود.

مبحث اول - روش های اثبات جعلیت سند

این روش ها عبارت اند از:

- ۱- به دست آوردن سند مورد ادعای جعل و ضبط و حفظ آن.
 - ۲- تهیه مدارکی برای تطبیق با سند متنازع فیه که در عرف کارشناسی به آن اساس تطبیق می گویند مثل تهیه نوشته ها و امضای آنها به وسیله استکتاب و وسایل دیگر.
 - ۳- طریقه رسیدگی به اصالت یا مجعولیت سند مورد ادعای جعل
- مبحث دوم- موارد رسیدگی محکمه حقوقی به دعوای جعل
- الف: مواردی که محکمه حقوقی مکلف به رسیدگی دعوی جعل می باشد به شرح زیر است:
- ۱- در صورتی که دادگاه مفاد سند را مؤثر در دعوی بداند.
 - ۲- وقتی که صاحب سند اعلام نماید به استفاده از سند باقی است.
 - ۳- هرگاه صاحب سند به دلایل جعل پاسخ ندهد.
 - ۴- چنانچه موضوع در دادسرا به جهتی از جهات مثلاً فوت متهم، غیرقابل تعقیب تشخیص گردد.
 - ۵- وقتی که موضوع در دادگاه جزا تحت رسیدگی است و دادگاه متعرض جعلیت یا اصالت سند نشده یا جعلیت آن را احراز نکرده، دادگاه مدنی به دعوی جعل رسیدگی می نماید ولی در حال رأی دادگاه مدنی درباره اعتبار سند، منافی نیست با اینکه مدعی جعل در صورتی که جاعل در حال حیات و قابل تعقیب باشد، دعوی خود را مستقیماً در مراجع جزایی اقامه نماید و اگر حکمی از دادگاه جزا بر مجعولیت سند برخلاف رأی دادگاه مدنی صادر شود، می تواند مستند اعاده دادرسی در دادگاه مدنی قرار گیرد.
- ب: ۱- در صورتی که مدعی جعل شخص معینی را که در حال حیات است به ساختن سند متهم نماید و تعقیب او ممکن و رسیدگی به سند در اصل دعوی مؤثر باشد، دادگاه مدنی سند مزبور را با مستندات راجع به دعوی نزد دادستان می فرستد.

- ۲- مدعی جعل در صورتی که جاعل در حال حیات و قابل تعقیب باشد، دعوی خود را مستقیماً در مراجع جزایی اقامه می‌نماید هرچند رأی دادگاه مدنی قبلاً در خصوص اعتبار سند صادر شده باشد.
- ج: ۱- وقتی که صاحب سند، سند خود را مسترد نمود یا در موعد مقرر پاسخش را نداد، دادگاه آن را از عداد دلایل او خارج کرده و به سایر ادله رسیدگی می‌نماید.
- ۲- صاحب سند باید اصل سندی را که نسبت به آن ادعای جعلیت شده پس از اطلاع دفتر دادگاه، بسپارد والا دادگاه آن را از عداد دلایل وی خارج می‌نماید.
- ۳- هرگاه مدعی جعل در موعد مقرر ادله دعوی جعل را ارائه ننماید، دعوی جعل بی‌اثر می‌شود.
- مبحث سوم- نکات ضروری در رسیدگی به دعوی جعل
- ۱- فوت متهم، شمول مرور زمان و سایر موانع مجازات، دعوای جزایی جعل را موقوف می‌کند در حالی که هیچ‌یک از این شرایط و حوادث، تعقیب دعوای جعل را در محکمه حقوق، متوقف نمی‌نماید.
- ۲- هرگاه رسیدگی به موضوع حقوقی فرع بر رسیدگی به جعل مستندی باشد، دادگاه حقوقی تا زمان اعلام رأی مرجع جزایی رسیدگی خود را متوقف می‌نماید.
- ۳- پس از اعلام جرم جعل در محکمه حقوق، صرف نظر از (دعوای جعل جزایی) رسیدگی به دعوای حقوقی اصلی نیز تا آنجا که مرتبط با سند متنازع‌فیه است، موقوف می‌شود و حکم دادگاه جزا مبنی بر جعلیت یا اصالت سند برای دادگاه حقوق، متبع خواهد بود ولی چنانچه جعلیت سندی در دادگاه جزا ثابت نشد و به اصالت آن هم اظهار نظر نگردید، این تصمیم در دعوای مدنی بی‌اثر است.^۱
- ۴- حکمی که در دادگاه حقوق مبنی بر اصالت سند صادر می‌شود در صورت به دست آمدن ادله بر جعلیت آن، مانع از تعقیب موضوع نخواهد بود و پس از ثبوت دعوی جعلیت سند، «مستند حکم حقوقی» مجوز اعاده دادرسی خواهد بود.

هشتم: جرائم در حکم جعل

در بعضی از مواد قانون مجازات عمومی سابق، مقنن برای مرتکبین بعضی جرائم، مجازات جعل منظور شده درحالی که از لحاظ تحلیل حقوقی، جرائم مزبور غالباً واجد عناصر لازم برای تحقق این جرم نبوده و در حکم جعل قرار گرفته‌اند. این موارد عبارت‌اند از:

- ۱- جرائم مذکور در ماده ۱۰۰ قانون دفاتر رسمی؛
- ۲- جرائم مذکور در قانون راجع به مجازات انتقال مال غیر؛
- ۳- جرائم مذکور در ماده ۲۴۹ قانون مجازات عمومی سابق؛
- ۴- قسمتی از ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی سابق.

نهم: اختلاف جعل با کلاهبرداری به وسیله اسناد

اسباب چینی‌های متقلبانه که بزه کلاهبرداری را تشکیل می‌دهند، لزوماً یک نوع قلب حقیقت و تزویر را ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر برای تحقق کلاهبرداری صرف استفاده غاصبانه از سند کافی است. به نظر می‌رسد در صورتی که نام یا عنوان دروغی فقط شفاهاً لحاظ شده باشد و تزویر و تقلب به صورت دیگری خارج از کادر نوشته انجام شده باشد، موضوع کلاهبرداری است. چنانچه نوشته‌های مورد استفاده توسط متهم، ساختگی و تقلبی نبوده بلکه یک سند صحیح باشد که به غصب مورد استفاده قرار داده، عمل او جعل نیست و منطبق با کلاهبرداری است. مثل این که شخصی با نام و عنوان مجعول و ارائه قبض صاحب امانت به جای او اموال امانی متعلق به وی را دریافت کند خواه سند مزبور مجعول یا صحیح بوده باشد. بنابراین، تصور جعل بدون فرض وجود نوشته مجعول و ثبوت تزویر و تقلب و قصد و علم از ناحیه ارائه‌کننده، غیرممکن است و حال آن که برای تحقق کلاهبرداری، صرف استناد غاصبانه از سند کافی است خواه سند مزبور مجعول یا صحیح باشد. شعبه ۲ دیوان عالی کشور طی حکم شماره ۱۱۰۰-۱۳۱۹/۴/۲۵ استفاده از دلار کاغذ تقلبی را با علم به مزور بودن از مصادیق کلاهبرداری دانسته است. تعریف اجمالی بزه کلاهبرداری مندرج در ماده اول قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام بدین شرح است: «تشبیه به وسایل متقلبانه (که مصادیق و موارد عدیده‌ای می‌تواند باشد) و تحصیل مال غیر از این طریق»

دهم: جعل و اعاده دادرسی در امور کیفری و حقوقی

الف- مطابق بند «ث» ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری چنانچه در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی مبنای حکم بوده، این موضوع از موارد درخواست اعاده دادرسی در مورد حکم قطعی دادگاهها محسوب شده است.

ب- طبق بند ۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۸۱ چنانچه حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم جعلی بودن آنها ثابت شده باشد این مورد از جهات اعاده دادرسی شناخته شده است.

نتیجه‌گیری

جرم جعل و تزویر و استفاده از سند مجعول از جرائم مهم است که ارتکاب آن علاوه بر سلب اعتماد عمومی، موجب تضییع حقوق فردی و اجتماعی نیز خواهد بود، براین اساس تعقیب کیفری آن در دادسرا و محاکم کیفری از اهمیت خاص برخوردار است.

تشخیص و تعقیب عناصر اختصاصی این جرم، علاوه بر عناصر عمومی آن (عنصر مادی، قانونی و معنوی) از جرائم خاصه‌ای است که علی‌الاصول متضمن ضرر و زیان شخص ... نیز می‌باشد. بارزترین ویژگی عناصر اختصاصی جرم یاد شده برابر ماده ۵۲۳ و ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی، قلب حقیقت، ساختن نوشته یا مهر، محو یا الحاق یا تقدم و یا تأخیر تاریخ حقیقی است به نحوی که موجبات تضییع حقوق افراد را فراهم نماید.

نوشته حاضر ضمن آشناسازی خوانندگان محترم با جرم جعل و ابعاد مختلف آن در حقوق ایران بر این نکته تأکید دارد که هم‌زمان با پیشرفت فناوری و اضافه شدن اقسام جدیدی به این نوع جرم، ضرورت دارد قوانین به تناسب آن، به‌روز شده تا تناسب قوانین با مسائل جدید در حوزه‌های حقوقی برقرار شود.

فهرست منابع

۱. ایرج گلدوزیان- (۱۳۸۳)- حقوق جزای اختصاصی.
۲. آرای شماره ۱۲۶۹-۱۳۱۷/۵/۳۱ و ۱۳۰۵-۱۳۱۸/۶/۶ شعب پنجم و دوم دیوان عالی کشور
۳. جعفری لنگرودی - (۱۳۸۲)- ترمینولوژی حقوق- انتشارات گنج دانش.
۴. دکتر ابراهیم پاد- جزوه درسی حقوق جزای اختصاصی شماره ۶ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران- ص ۸۶
۵. رأی شماره ۱۵۹۱-۱۳۱۷/۷/۹ شعبه دوم دیوان عالی کشور
۶. رأی شماره ۱۶۸۷-۱۳۱۷/۷/۲۱ شعبه دوم دیوان عالی کشور
۷. ماده ۲۲۳ قانون تجارت
۸. مستنبط از آراء متعدد دیوان عالی کشور در این باره.
۹. مستنبط از رأی شماره ۷۸۲-۱۳۱۸/۴/۱۹ شعبه دوم دیوان عالی کشور
۱۰. موضوع ماده ۲۴۰ ق.م.ع. سابق و ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات مصوب ۱۳۷۵